

« ایران در جهان عرب »

- ۶ -

((عراق عرب))

۸۰ - در کتاب تاریخ الامامین الکاظمین ۴ تألیف جعفر نقدی^۱ چاپ بغداد

ثبت است :

بر حسب فرمان ناصرالدین شاه قاجار در هزار و دوویست و هشتاد و دو هجری قمری ایوان شرقی صحن کاظمین را از بقایای طلای گنبد سامرا طلا کاری کردند، این کار پیش از زیارت شهریار قاجار به عتبات بود، هم چنان سقفها و آینهها و نقش و نگار حرم شریف را تعمیر و مرمت ساختند و دیوار خارجی رواق را کاشی کاری کردند .

۸۱ - در هزار و دوویست و هشتاد و سه هجری ناصرالدین شاه قاجار فرمان داد

که ضریح نقره بر روی ضریح فولادی نصب کردند و کتیبههای حرم و جایگاههای مخصوص رواق کاظمین را باطلا نوشتند در سال هزار و دوویست و هشتاد و هفت هجری قمری شهریار قاجار زیارت عتبات نایل شد و مورخان تاریخ زیارت را چنین سرودند: «تشرفا بالزیارة ۱۲۸۷» اصلاحات صحن و حرم کاظمین را تکمیل کرد بدانشمندان و کلیددار و کارکنان کاظمین مبلغ بسیاری از طلا و نقره بخشید^۲ .

۱ - شادروان شیخ جعفر نقدی قاضی محکمه های جعفری و رئیس آن در بغداد از دوستان نگارنده این سطرها در عراق بود چند کتاب نفیس از تألیفات او در بغداد و نجف چاپ شده است.

۲ - ص ۷۷ چاپ بغداد

۸۲- در کتاب تاریخ کر بلا و حائر الحسین (ع) تألیف دکتر عبدالجواد کلیددار^۱

چنین ثبت شده است :

در هزار و دو بیست و هفتاد و شش هجری بزرگترین علمای ایران بنام شیخ عبدالحسین تهرانی با ثروت بسیار بسوی کر بلا شتافت، عتبات عالیات را اصلاح و تجدید بنا و تعمیر کرد چنانکه در کتاب تحفة العالم ص ۳۰۸ نوشته شده است که در هزار و دو بیست و هفتاد و شش هجری شیخ عبدالحسین تهرانی بفرمان ناصرالدین شاه قاجار بکر بلا رفت گنبد حسینی را طلاکاری کرد و صحن شریف و ایوان های صحن را از کاشی رنگین بنا نهاد، قسمتی از صحن از سمت بالای سر پاك حسینی را بزرگ کرد، هنگامی که شیخ از تجدید بنا و اصلاح فراغت یافت در کاظمین بیمار شد، در هزار و دو بیست و هشتاد و شش هجری قمری وفات یافت و در کر بلاوی رادفن کردند، دو سال پیش از آنکه ناصرالدین شاه قاجار به عتبات مشرف شود شیخ عبدالحسین تهرانی وفات کرد، در جهت شمالی درب سلطانی صحن شریف در آرامگاه مخصوص بخود که در گوشه شمال غربی صحن قرار دارد دفن شد، این ماجرا را به شعر عربی بنظم درآوردند .

۸۳- در مجموعه نفیس «مجالى اللطف ص ۴۳-۴۴» این ابیات ثبت است:

ثم أتى الناصر لدين فعم	مشاهد القدس بفضل ونعم
و ابتاع دوراً ثم زاد الصحن	وزاداء عمراً و شاد مبنی
وأطلق الراحة بالانجازه	على يدى عبدالحسين الرازى
لدى الثلاث و الثمانين سنة	و المائتين بعد ألف بينة
وزار بعد أربع للطف	فوجد الشيخ و قد توفى
و من بعد ما شيد كربلاء	وروضة الزورا و سامراء

ناصرالدین شاه قاجار نه تنها اصلاحات عمرانی در کر بلا کرد در کاظمین و

سامراهم تجدید بنا و اصلاحاتی نمود^۱.

۱- شادروان دکتر کلیددار ازدوستان صمیمی نگارنده این سطرها در عراق بود، بارها حکایت کرد مرا که تحصیلات عالی خود را به همراهی یکی از ایرانیان در پاریس پیمان رسانید، هرگاه کمک های او نبود نمی توانست در اروپا تحصیل کند همیشه نسبت با ایران و ایرانی احترام خاصی می گذاشت و از بزرگان سیاست و نویسندگان بنام عراق بشمار میرفت .

۲- ص ۲۵۷-۲۵۸ چاپ بغداد ۱۳۶۸-۱۳۶۹

۸۴- در کتابهای تاریخی که بزبان فارسی تألیف شده است نقش میرزا محمد تقی خان امیر کبیر و شیخ عبدالحسین تهرانی درباره عمران و آبادی عراق عرب بصورت دیگری ثبت است که برای تکمیل تاریخ در اینجا نقل میشود در کتاب المآثر والآثار چنین ثبت است: شیخ عبدالحسین طهرانی ملقب بشیخ العراقرین مجتهدی بسیار فاضل و بقبول عامه نایل بود در دولت عثمانی نیز از اعتباری معتد به داشت ولات و حکام عراق عرب او را حرمتی عظیم می نهادند اکثر تعمیرات و تأسیسات عتبات عالیات از جانب اعلیحضرت اقدس همایونی سمت مواظبت و مراقبت داشته مدرسه و مسجدی که از مال الوصایه امیر نظام اتابک اعظم میرزا تقی خان در طهران ساخته دائر است و با اجتماع افاضل طلاب عامر شکر اله مساعیه^۱

۸۵- شادروان عباس اقبال در کتاب میرزا تقی خان امیر کبیر چنین نوشته است: امیر نظام «پس از واقعه محاکمات شیخ عبدالرحیم برودی» محاکمات را به محضر جناب شیخ عبدالحسین طهرانی شیخ العراقرین ارجاع مینمود و یوماً فیوماً عقیده او نسبت به جناب شیخ افزون می گردید و از قراری که مسموع شده در مطالب مشکله و امور معضله با او مشورت می نموده بالاخره وصایت امیر نظام با او بوده و مدرسه و مسجد شیخ عبدالحسین را از ثلث امیر بنا نمود^۲.

و جناب اجل آقای سید نصراله اخوی مدظله حکایت مینمود که شنیدم که

۱- ص ۱۳۹ چاپ تهران
 ۲- شیخ عبدالحسین بن علی طهرانی ملقب بشیخ العراقرین یکی از جمله علمای بسیار فاضل و مشهور قرن اخیر است. او پس از آنکه در عتبات از تحصیل علوم دینی فراغت یافت و درجه اجتهاد رسید بزودی مرجع تقلید و مقبول رجال دولت عثمانی گردید و بعلت تبحر در علوم و عشق به جمع آوری کتاب و رونق حوزه درس شهرتی عظیم حاصل کرد و امیر کبیر مخصوصاً او را پس از آمدن بطهران به قطع و فصل امور شرعیه برگماشت و وصایت خود را با او سپرد، پس از مرگ امیر نیز شیخ عبدالحسین در طهران پیش شاه محترم و مورد اعتماد بود و ناصرالدین شاه او را در هزار و دوست و هفتاد و چهار روزی نامیر صحن کربلا و کاظمین و سامرا مأمور نمود و شیخ از هزار و دوست و هفتاد و چهار تا هزار و دوست و هشتاد و شش در کربلا بود در ۲۲ رمضان این سال که فوت کرد با بن کار اشتغال داشت. کتابخانه شخص او در کربلا بواسطه داشتن نسخه های خطی نفیس مشهور بود و شیخ آنرا بر طلاب وقف کرد.

از شیخ عبدالحسین کتاب کوچکی در شرح حال احوال و روایات باقی بوده است. عالم بزرگ حاج میرزا حسین نوری صاحب کتاب مستدرک الوسایل از شاگردان محضر و از معاشرین او بوده و در خاتمه کتاب مستدرک ص ۲۹۷ ج ۲۲۳ به تجلیل تمام از او نامی برد. برای شرح احوال او علاوه بر این کتاب رجوع کنید بمآثر و الآثار ص ۱۳۹ و ۱۸۱ و کتاب احسن الودیعه جلد اول ص ۷۵ و ۷۸،

چون شیخ عبدالحسین از عتبات عالیات پس از تحصیل علوم دینی به طهران باز گشت فرمود بدرجه‌ای گرفتار ضیق معاش بود که يك اطاق مستطیل واقع در طبقه فوقانی از خانه گذر بین الحرمین اجاره کرد و نصف آن را پرده کشیده و عیال خود را پشت پرده منزل داده و مابقی اطاق را حصیری افکنده و خود می نشست و بجز چند جلد کتاب شئی زائدی که بهائی داشته باشد در آنجا دیده نمیشد و متدرجاً مبلغی باهالی بازار از بقال و عطار و امثالها مقروض شده و راه خرجی از هیچ طرفی برای او مرئی نبود، تا آنکه بعضی از دوستان موقع ملاقات و اطلاع بر چگونگی حالات او صلاح اندیشی نموده اظهار داشتند که سبب عزت و ضیق معاش شما از گوشه گیری و عدم مراد و با خلق است که احدی مطلع بر مراتب علم و دانش شما نشده و ازدیانت و امانت و زهد جناب عالی آگاهی نیافته اند. بهتر آنست که با مردم خاصه علما آمیزش نموده و مقداری از فضایل خویش را در مذاکرات علمیه بروز دهید. شیخ فرمود از معاشرت اهل علم ابا ندارم، لیکن با این زندگی و عسرتی که مراست پذیرائی مردم که از لوازم مرادوست می بینید که بی نهایت مشکل است. گفتند عجالتاً ممکن است که صبح پنجشنبه در منزل جناب شیخ محمد تقی قزوینی که از اجله علماست و مرثیه خوانی هست حاضر شوید و چنانکه اغلب اوقات پس از استماع مصائب صحبت علمی میشود خویشتم را مقداری معرفی نمائید و شاید بعضی از طلاب که واقعاً طالب علم و جوایب مدرس صحیح هستند خواهش درسی و استفاده نموده اسباب گشایش و فتح بایی از این طریق فراهم آید. جناب شیخ سخن ایشان را پذیرفته و یوم حسین به مجلس مرثیه مرقومه برفت و در محلی پست تر از مقام خود به نشست و پس از ختم روضه فضلی آن محضر شروع بدکرمسائل علمیه نموده و شیخ استماع مینمود تا کلام ایشان زمینه پیدا کرد که شیخ تکلم خود را در گفتگو بجا و بموقع دید و چون مقداری از افادات وی گوشزد ایشان شد و فضل سرشار او را مقداری ملتفت شدند به لسان واحد از او معذرت خواسته و در صدر مجلسش جای دادند و چون بمنزل باز گشت عصر آن روز باو خبر دادند که شخصی بر در شمارا می خواهد شیخ از اطاق خود پائین آمده در را باز کرد. آن شخص که در زی و لباس فراش بود عرض کرد که فردا اول صبح امیر نظام بدیدن شما تشریف می آورند. فرمود گویا اشتباه کرده باشید زیرا که من با امیر سابقه و مراد ندارم تا

بدیدن من آید . گفت مگر شما شیخ عبدالحسین طهرانی نیستید فرمود بلی ، هستم ، لیکن ممکن است که شیخ عبدالحسین دیگر باشد .

فراش گفت شما امروز در خانه شیخ محمد تقی قزوینی نبوده‌اید ، گفت بوده‌ام . گفت پس اشتباهی نشده و مهیای آمدن امیر باشید . فرمود من منزلی که امیر در آنجا بیاید ندارم . گفت مگر همین جا منزل شما نیست . فرمود منزل همین است اما بیائید و ترتیب آنرا معاینه کنید که بدانید اینجا نمی‌آید و او را باطاق بالاخانه برد و وضع آنجا را بدید و گفت مخصوصاً همین جا خواهد آمد و برفت و صبح خود امیر بیامد و شیخ بقدری که میسر یافته بود پذیرائی نمود . آنگاه امیر نظام اظهار داشت که این منزل شما شایسته شما نیست و خانه مختصری با لوازم و اثاث‌الیت در عباس‌آباد تهیه شده با آنجا نقل مکان فرمائید و یک صد اشرفی زرمسکوک بشیخ نیاز نمود و فرمود قروض شما را در بازار مطلعم این وجه را نیز به و امخواهان داده تا باز شما را زیارت کنم و برخاسته برفت و از آن پس همواره در ترویج شیخ اقدامات کافی نمود و روز بروز در عقاید او نسبت بشیخ می‌افزود تا آنکه محل وثوق امیر شد و طرف مشاوره در بعضی از امور مشکله گردید .^۱

۱- میرزا تقی‌خان امیر کبیر تألیف عباس اقبال آشتیانی بکوشش ایرج افشار چاپ دانشگاه تهران ص ۱۶۸-۱۷۱

شاد وان عباس اقبال آشتیانی از مورخان بزرگ معاصر است تألیفات ارزنده او تاریخ ایران «حمله مغول» خاندان نوبختی - دوره‌های مجله یادگار از شاهکارهای تاریخی و ادبی زبان فارسی است ، کتاب‌های تاریخ میرزا تقی‌خان امیر کبیر - وزارت در ایران - ابن مقفع - قابوس و شمگیر زیاری از تألیفات خواندنی اوست ، دوره کتاب‌های درسی تاریخ - جغرافیا برای دبیرستانهای ایران از بهترین کتابهای کلاسیک است ، اشتباه کوچکی در تاریخ مفضل ایران زاو است که صبح ازل و میرزا حسین علی‌بهاءالله را فرزند سید علی محمد باب نوشته است !! گویا اشتباه قلمی یا چاپی باشد . در یفا که مؤلفان کتابهای درسی مندرجات آن کتابها را سرودست شکسته نقل می‌کنند بدون آنکه نامی از استاد باصفای خود برده باشند !!

نیا ز کرمانی شاعر با ذوق و جوان ما بنا به تشویق نگارنده این سطرها مجموعه مقالات تاریخی اقبال آشتیانی را از مجلات و مطبوعات فارسی فراهم آورد و بصورت کتاب قریباً چاپ و منتشر می‌شود شاید بتوان آن را در ردیف این کتابها دانست ، بیست مقاله محمد قزوینی ، مجموعه مقالات سید احمد کسروی تبریزی ، مجموعه مقالات سید حسن نقی‌زاده ، چهارده گفتار استاد مجتبی‌مینوی طهرانی ، آرامگاه اقبال آشتیانی در کنار قبر شادروان محمد قزوینی و ابوالفتوح رازی در زوایه حضرت عبدالعظیم درری است .